

الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات

نقشه قنبری*

اشاره

الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش مؤثر زنان در حفظ ارزش‌ها و استقامت در برابر ناملازمات همواره مورد توجه بوده است. این الگوها نه تنها در عرصه‌های فردی و خانوادگی، بلکه در حوزه‌های اجتماعی و دینی نیز اهمیت بسیاری دارد. بررسی شخصیت زنان بهشتی، ترسیم الگویی وارسته از ویژگی‌های فردی، معنوی، خانوادگی و اجتماعی یک زن کامل را به نمایش می‌گذارد.

با توجه به تأکید اسلام بر نقش ارزنده زن در شکل‌گیری جامعه اسلامی، تبیین نقش زنانی چون حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت آسیه علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام به عنوان نمونه‌های بارز مقاومت، حائز اهمیت است.

قرآن کریم و روایات اسلامی با معرفی زنان مقاوم و الگو پیام‌های روشنی در راستای اهمیت استقامت و اعتلای دین مبین اسلام ارائه کرده‌اند. این پیام‌ها می‌تواند نقش مؤثر زنان در ایجاد تغییرات مثبت و پایداری در برابر ناملازمات را ترسیم کند. مقاومت الگوهای برجسته، نه تنها در مواجهه با مشکلات و بحران‌های زندگی اولیای الهی، بلکه در تمام مراحل، نقشی تربیتی و حمایتی ایفا کرده است.

بر این اساس، زنان با الگو برداری صحیح از زنان مقاوم می‌توانند به نقش مؤثر خود در دستیابی به کمال و سعادت پی ببرند و در راستای پیشبرد اهداف انقلاب گام بردارند و جامعه را به سمت جامعه‌ای آرمانی سوق دهند.

* دانش آموخته سطح ۳ جامعه الزهر علیها السلام.

مقام بالای زن در قرآن

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. این آیه شریفه ارزش انسان را به تقوا دانسته است؛ کسی که بیش از همه از نافرمانی خدا پرهیزد و خداوند را اطاعت کند، دارای پاداش بیشتر و منزلتی رفیع‌تر خواهد بود.^۲ از نظر اسلام هیچ‌یک از زن و مرد بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا. با توجه به این‌که تقوا بالاترین مرحله اخلاق فاضله است، زنانی که از درجات بالای ایمان و اخلاق برخوردارند، گرامی‌تر و از حیث درجه بالاتر از مردانی هستند که این فضائل را ندارند.^۳

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ»^۴؛ افضل زنان اهل بهشت چهار نفر هستند؛ خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه همسر فرعون. تاریخ اسلام هم با ذکر چهره برجسته‌ای چون حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام، نقش بی‌نظیر و ارزنده ایشان در حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تاریخ سال‌های اولیه رسالت بیان نموده است و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام دختر گرامی ایشان نیز تحت تربیت چنین بانویی، «ام ایها» و «سید نساء العالمین» لقب گرفت.^۵

زنان الگو

در اینجا به معرفی برخی از زنان الگو می‌پردازیم:

۱. حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام

امام زمان وجود مقدس حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را، الگوی نیکوی خویش دانستند و فرمودند: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۶ در زندگی فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، خدامحوری بیش از هر چیز

۱. حجرات: ۱۳.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۰۷.

۳. علامه محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۰.

۴. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار ج ۸، ص ۱۷۸.

۵. عبد الرحیم گواهی، درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، ص ۱۸۳.

۶. فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷.

دیگر به چشم می‌خورد و در تمام جلوه‌های رفتار و گفتار ایشان حضور دارد تا آنجا که در زندگی خانوادگی، تمام گفتار و رفتار خویش را با رضایت خدا می‌سنجید و همواره رضایت خدا را بر رضایت خود مقدم داشته، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقَىٰ وَالعِفَافَ وَالكِفَافَ وَالعِغْنَىٰ وَالعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَىٰ»^۱؛ خدایا! از تو هدایت و تقوا، عفاف و بی‌نیازی، و عمل به آنچه را تو دوست داری و می‌پسندی را می‌خواهم. این اصل مهم در زندگی حضرت زهرا علیها السلام در حمایت امام علی علیه السلام در راستای تعالی اسلام مشهود است.

حضرت فاطمه علیها السلام در حسن معاشرت با همسر نیز رضایت الهی را مقدم می‌داشتند، روزی امام علی علیه السلام از ایشان پرسید: چرا از رنج گرسنگی و بی‌غذا ماندن خانه، مرا با خبر نکردی؟ حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ عرض کرد: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ إِلَهِي أَنْ أَكَلِّفَكَ مَا لَا تُقْدِرُ عَلَيْهِ»؛^۲ ای ابوالحسن! من از خدای خود شرم می‌کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نیستی. حضرت فاطمه علیها السلام در اوج علاقه‌ای که به همسرش داشت، باز محبت و رضای خدا را بالاتر می‌دانست، در فرازهایی از مناجات حضرت علیها السلام آمده است: «يَا رَبِّ لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ تُشْلِجُ بِهَا صَدْرِي وَتَسُرُّ بِهَا نَفْسِي وَتَقْرُبُ بِهَا عَيْنِي»؛^۳ خداوندا، احدی به جز تو سینه‌ام را خنک و نفسم را مسرور نمی‌کند و هیچ کس جز تو چشم مرا روشنی نمی‌دهد.

حضرت فاطمه علیها السلام عواطف مادری و محبت به فرزندان را نیز تحت محبت و رضایت خداوند قرار می‌دهد، وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را از حوادث جانسوز کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام با خبر می‌کند، آیه استرجاع خواند و با صبر و مقاومت در برابر اوامر الهی فرمود: «يَا أَبَتِ سَلَّمْتُ وَرَضِيْتُ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»؛^۴ پدرجان، من تسلیم شدم و رضایت دادم و به خدا توکل می‌کنم.

سلام الله ای جان محمد، بر تن و جانانت

که پیغمبر کند تعظیم و بوسد همچون قرآنت

۱. عبدالله بن نورالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۳۰۸.

۲. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۷۷.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۳، ص ۶۷.

۴. ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، تفسیر الفرات الکوفی، ص ۱۷۲.

تویی آن سرمدی بحر و تویی آن احمدی کوثر

که جوشد تا قیامت گوهر عصمت ز دامانت^۱

۲. حضرت خدیجه

خدیجه ع دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی (از خاندان قریش) و فاطمه بنت زائده، بانویی شریف بود که در روزگار خود دارای اعتبار بود.^۲ منابع تاریخی از او به عنوان زنی ثروتمند که سرمایه خود را برای تجارت، به کار می‌گرفت، نام برده است.^۳ ذکر نام خدیجه کبری ع به عنوان جدّه امامان معصوم ع، در ادعیه بیانگر جایگاه والای اوست که در ردیف مردان صالح قرار دارد. در فرازی از دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَأَيْنَ عَلِيٍّ الْمُتَّصِي، وَأَيْنَ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ، وَأَيْنَ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؛ كَجَاسْتِ پسر پیغمبر برگزیده؟ كَجَاسْتِ پسر علی مرتضی؟ كَجَاسْتِ پسر خدیجه نجیب و بزرگوار؟ و كَجَاسْتِ پسر فاطمه بزرگ؟». مورخانی چون بلاذری و ابن سعد در قرن سوم، ابن عبدالبر در قرن پنجم، و ابن خلدون در قرن هشتم، حضرت خدیجه ع را اولین ایمان آورنده به پیامبر اکرم ص معرفی کرده‌اند.^۴ خدیجه کبری ع به همراه علی ع در اقامه نماز بر پیامبر ص اولین نمازگزاران در اسلام معرفی شده‌اند.^۵ ایمان خدیجه کبری ع موجب لقب «ام المؤمنین» و جدهی بهترین بندگان خدا شد.^۶

بین مادرها مقام برتری دارد خدیجه زن که چون زهراى اطهر دختری دارد خدیجه
گر گذشت از مکنت دنیا ندارد غصه زیرا همچو پیغمبر به دنیا همسری دارد خدیجه
غیر راه حق نبود به غیر حرف حق نگوید همچو ختم الانبیا چون رهبری دارد خدیجه^۷

۳. حضرت مریم ع

حضرت مریم با تحمل فشارهای اجتماعی و حفظ پاکدامنی، نمونه‌ای بارز از مقاومت معنوی

۱. غلامرضا سازگار، نخل میثم، بخش مدح حضرت زهرا ع.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴. احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۷۱.

۵. یوسف بن عبدالله بن محمد نمری قرطبی ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۰۸۹.

۶. حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، ص ۴۱۷.

۷. غلامرضا سازگار، نخل میثم، بخش مدح حضرت خدیجه سلام الله علیها.

است. آیه شریفه: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛^۱ به مقام برگزیدگی حضرت مریم علیها السلام اشاره دارد که نتیجه صبر و مقاومت او در برابر نامالایمات بود. آیه صراحت دارد بر اینکه حضرت مریم «محدثه» بوده و کلام ملائکه را می شنید.

در این آیه شریفه، مراد از اصطفاء اول، قبول نذر مادر مریم و پذیرفته شدن مریم برای خدمت معبد و ارسال مائده آسمانی و سخن گفتن ملائکه با او و اشاره بصفت عالی مریم است. مراد از «طهرک» پاک نمودن او از شرک و گناهان است. اما مراد از اصطفاء دوم، برگزیدن وی برای ولادت حضرت عیسی مسیح علیه السلام است و چون این امتیاز فقط در مریم بود لذا می شود مراد از «العالمین» همه جهانیان در هر زمان باشد.^۲

۴. حضرت آسیه علیها السلام

حضرت آسیه، همسر فرعون، نمونه ای برجسته از زنانی است که در برابر ظلم و کفر ایستادگی کرد و ایمان خود را حفظ نمود. خداوند متعال در آیه: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ. . .»؛^۳ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، حضرت آسیه را به عنوان الگویی برای مؤمنان معرفی می کند که جان خود را در راه ایمان فدا کرد. ایمان و عمل نجات دهنده است، هر چند که انسان متصل به کفار باشد. فرعون به اهل مصر می گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»؛^۴ ولی همسرش آسیه، به موسی ایمان آورد و اهل بهشت گردید. آسیه که در کاخ فرعون زندگی می کرد و تحت سرپرستی مردی کفرپیشه و مستکبر بود تحت تأثیر شرایط محیط قرار نگرفت و ملکه مصر بودن را رها کرد و با استواری در راه ایمان گام نهاد و با سخنان خود و تقاضای بهشت، کاخ فرعون را تحقیر کرد و از ستمکاری آنان بیزار جست و در این راه شربت شهادت نوشید.^۵

هنگامی که آسیه معجزه موسی علیه السلام را در مقابل ساحران مشاهده کرد اعماق قلبش به نور

۱. آل عمران: ۴۲.

۲. سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، ص ۷۶.

۳. تحریم: ۱۱.

۴. نازعات: ۲۴.

۵. محمد علی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۲۱، ص ۱۳۸.

ایمان روشن شد، و از همان لحظه به موسی ایمان آورد. او پیوسته ایمان خود را مکتوم می‌داشت، ولی ایمان و عشق به خدا چیزی نیست که بتوان آن را همیشه کتمان کرد، هنگامی که فرعون از ایمان او با خبر شد بارها او را نهی کرد و اصرار داشت که دست از آئین موسی علیه السلام بردارد و خدای او را رها کند، ولی این زن با استقامت هرگز تسلیم خواسته فرعون نشد. سرانجام فرعون دستور داد دست و پاهایش را با میخ‌ها بسته، در زیر آفتاب سوزان قرار دهند، و سنگ عظیمی بر سینه او بیفکنند، هنگامی که آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذراند دعایش این بود " پروردگارا! برای من خانه‌ای در بهشت در جوار خودت بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش رهایی بخش و مرا از این قوم ظالم نجات ده!" خداوند نیز دعای این زن مؤمن پاکباز فداکار را اجابت فرمود و او را در کنار بهترین زنان جهان مانند مریم قرار داد.^۱

دامنش از شرک، آلوده نبود
سنگ و چوب و شاه را، بنده نبود
همسر فرعون و ایمان داشتن!
این مهم، والله که ساده نبود

ویژگی‌های زنان الگو

زنان الگو دارای ویژگی‌های برجسته و ممتازی هستند. در اینجا با توجه به شخصیت حضرت زهرا و خدیجه سلام الله علیهما به برخی از ویژگی‌های این دو بانوی بزرگوار، اشاره می‌شود:

عامل آرامش خانه

منزل حضرت زهرا علیها السلام محل آرامش امام علی علیه السلام بود. علی علیه السلام در این باره فرمودند: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنُكْشِفُ عَنِّي الْهَمُّومَ وَالْأَحْزَانَ»؛ هرگاه به چهره فاطمه علیها السلام می‌نگریستم، تمام غم و اندوه من برطرف می‌شد. بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام نیز فرمود: «فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا»؛ به خدا سوگند، زهرا علیها السلام تا آن زمان که خدا او را به سوی خود برد، مرا ناراحت نکرد و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند. موفقیت مردان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و... در پرتو آسودگی خاطر و آرامش در خانواده است.

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، صص ۳۰۲-۳۰۳.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۶۳.

حضرت خدیجه علیها السلام نیز در پرتو ایمان، همواره منبع آرامش و پناهگاه روحی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. در دوران آغازین بعثت، زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سنگینی وحی و مسئولیت رسالت مواجه شد، او اولین کسی بود که به ایشان آرامش و اطمینان می داد. در سخت ترین شرایط و مواجهه با فشارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مکه، حضرت خدیجه علیها السلام فضای خانه را به مکانی آرامش بخش برای پیامبر صلی الله علیه و آله تبدیل کرد و این آرامش آفرینی یکی از زمینه های اصلی ثبات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مأموریت رسالت و موفقیت آن حضرت صلی الله علیه و آله بود.

حضرت خدیجه علیها السلام بهترین و صادق ترین مشاور، وزیر و مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که علاوه بر حمایت های مالی از دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با تمام وجود در صحنه های متعددی که خطراتی حضرت صلی الله علیه و آله را تهدید می کرد، حضور داشت و از ایشان دفاع می کرد. روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مکه در ایام حج بر فراز کوه صفا، سه مرتبه رسالت خویش را اعلام نمود. ابوجهل با سنگ، پیشانی حضرت صلی الله علیه و آله را شکست و چون خدیجه علیها السلام مطلع شد، به همراه امام علی علیه السلام با مقداری غذا در کوه ها به جستجوی ایشان رفتند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با بدنی خونین به منزل بازگرداندند. اما مشرکان آن ها را تعقیب و سنگباران کردند. در این شرایط، خدیجه علیها السلام خود را سپر حضرت صلی الله علیه و آله قرار دادند تا سنگ ها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخورد نکند.^۲

عاشق و حامی

خدیجه کبری علیها السلام تمام ثروت و زندگی خود را برای حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهداف ایشان وقف نمود. محبت و عشق ایشان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، محبتی خالص و بدون چشم داشت بود که با فداکاری های بی وقفه در جهت اعتلای اسلام همراه بود. چنانکه حضرت فرمود: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالٌ خَدِيجَةَ»^۳؛ هیچ مالی به من سود نبخشید، آن گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید. در محاصره بنی هاشم در شعب ابی طالب نیز، اموال این بانوی بزرگوار در حمایت از بنی هاشم صرف شد. همان طور که در روایت آمده است، ابوطالب و خدیجه علیها السلام تمام

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

۳. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

اموال خویش را جهت حفظ اسلام و محاصره‌شدگان انفاق کردند.^۱ پیامبر ﷺ نیز همواره از ایشار خدیجه رضی الله عنها با عظمت و بزرگی یاد می‌نمود.^۲

اهل مدارا و صبر

از دیگر ویژگی‌های بارز زنان در عرصه مقاومت، صبر و شکیبایی است. حضرت خدیجه شریط سخت و چالش‌های زندگی مشترک با پیامبر ﷺ، از جمله فشارهای اجتماعی و اقتصادی، پس از بعثت را تحمی می‌نمود؛ این ویژگی خدیجه کبری رضی الله عنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قدرت و انگیزه مضاعف می‌بخشید تا رسالت خویش را با پشتوانه‌ای قوی‌تر ادامه دهد. حضرت خدیجه رضی الله عنها در دوران محاصره بنی‌هاشم در شعب ابی طالب اموالش را انفاق کرد،^۳ و در تمام مشکلات و رنج‌ها با حضرت محمد صلی الله علیه و آله همراهی می‌کرد. همین همراهی مایه آرامش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر آزارهای مشرکان بود.^۴ این صبر و بردباری خدیجه کبری رضی الله عنها، ناشی از قدرت کنترل احساسات و توانایی این بانوی وارسته در مدیریت بحران‌های عاطفی بود که توانست با حفظ آرامش و قوت قلب، نه تنها خود را در برابر مشکلات محافظت کند، بلکه به‌عنوان الگویی برای دیگران تبدیل شود.

ایمان حضرت خدیجه آن‌قدر ارزشمند بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدا شاهد است خدیجه زنی بود که وقتی همه از من رو می‌گردانیدند، او به من رو کرد و وقتی همه از من می‌گریختند، خدیجه به من محبت و مهربانی نمود. وقتی همه دعوت مرا تکذیب می‌کردند، خدیجه به من ایمان آورد و مرا تصدیق می‌نمود.»^۵

حضرت خدیجه رضی الله عنها در مواجهه با انتقادات و توهین‌های مشرکان مکه، همیشه در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایستاد و هیچ‌گاه اجازه نداد این توهین‌ها روحیه او را تضعیف کند. در زمان‌های تنهایی پیامبر، به ویژه در غار حراء، او نه تنها از رسول خدا صلی الله علیه و آله حمایت می‌کرد بلکه به او اجازه

۱. همان، ص ۱۶.

۲. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصبحاب، ج ۴، ص ۱۸-۱۷.

۳. احمد ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۴. محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۵، ص ۳۷۹.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، الطرائف، ص ۴۴۳.

می داد تا در سکوت و آرامش به تفکر و عبادت بپردازد. حضور حضرت خدیجه ناتیلاً چنان مایه آرامش و دلگرمی پیامبر صلی الله علیه و آله بود که با رحلت ایشان، یکی از حامیان اصلی خود را از دست داد.^۱ جرجی زیدان در شرح رنج‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید: «پس از مرگ ابوطالب و خدیجه، کار بر پیامبر صلی الله علیه و آله دشوار شد. قریش از هر سو بر حضرت صلی الله علیه و آله تاختند، به خصوص ابولهب و حکم بن عاص و عقبه بن ابی معیط. همسایگان پیامبر بیشتر از دیگران او را آزار می‌دادند. غالباً هنگام نماز، شکنجه بر سر و روی ایشان خالی می‌کردند و خوراک او را آلوده می‌ساختند. پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به طائف رفت تا شاید در آن جا یار و یاور بیابد، اما در آن جا نیز جز دشنام و آزار چیزی نیافت. تا آن جا که مردم طائف گروهی از نادانان و اراذل خود را به سوی حضرت صلی الله علیه و آله فرستادند تا با او ستیزه کنند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنان کناره می‌گرفت و به گوشه‌ای پناه می‌برد، عده‌ای دیگر می‌آمدند و آن فرومایگان را می‌رانند. پیامبر صلی الله علیه و آله تمام این رنج‌ها را تحمل می‌کرد و دعوت خود را ادامه می‌داد و تنها نزد خداوند خویش از نادانی مردم شکوه می‌کرد.»^۲

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن سیدالناس، ابوالفتح محمد، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب آل ابی طالب، النجف الاشرف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، ترجمه داوود الهامی، قم: نوید اسلام، ۱۳۷۴.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، البداية والنهاية، بی‌جا: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۸. ابی یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر ۱۳۵۸ق.

۱. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۹. اربلی، ابي الحسن علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة عليهم السلام، بیروت: الاثمة دارالاضواء، ۱۴۰۱ق.
۱۰. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، مصر: دار المعارف، ۱۹۵۹م.
۱۲. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۹ش.
۱۳. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۶. سازگار، غلامرضا، نخل میثم، قم: حق بین، ۱۳۹۶.
۱۷. طاهرزاده، اصغر، زن آن گونه که باید باشد (زن-خانوده-بحران)، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۲.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۲۲. فرات کوفی، علی بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۳. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۲۴. گواهی، عبدالرحیم، درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.